

## نگاه مردانه به حقوق زنان



با ورود زنان به بدنه اجتماع و اشتغال در پست‌ها و مشاغل هم‌پای مردان و به دنبال آن استفاده از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها در اقتصاد کشور، در سال‌های اخیر بیش از پیش واقعیتی به نام حقوق زنان در جامعه مطرح شده‌است و حالا زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور درصدد احقاق حقوق خود هستند.

با ورود زنان به بدنه اجتماع و اشتغال در پست‌ها و مشاغل هم‌پای مردان و به دنبال آن استفاده از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها در اقتصاد کشور، در سال‌های اخیر بیش از پیش واقعیتی به نام حقوق زنان در جامعه مطرح شده‌است و حالا زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور درصدد احقاق حقوق خود هستند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از قانون، شاید سال‌ها و شاید سال‌ها دور که زنان بیشتر نقش مادر و همسری را ایفا می‌کردند، توقع و خواسته زیادی از جامعه نداشتند و به همین دلیل نیز وظیفه خود را تنها خدمت به خانواده می‌دانستند، اما امروز که زنان سکان بسیاری از امور را در جامعه در دست گرفته‌اند با اطلاع از حقوق خویش، از جامعه خواسته‌ها و مطالباتی دارند که یکی از مهمترین آنان نگاه برابر یا به عبارت بهتر قرار گرفتن زنان در جایگاه واقعی‌شان در جامعه است. این در حالی است که هنوز هم برخی از دیدگاه‌ها نسبت به زنان، متأثر از گذشته، که از طرفی آن‌ها را موجوداتی حساس و شکننده نشان می‌داد و از طرف دیگر نیز غلبه زنان بر نگاه مردسالارانه جامعه، آن‌ها را در جنگی نابرابر قرار داده که پیروزی‌شان در این نبرد منوط به تغییر چشم‌انداز جامعه است و البته در این صورت زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند می‌توانند به خوبی توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را به جامعه نشان دهند.

امروز بسیاری از موارد از جمله قوانین، نگاه‌ها، رفتارها و... تبعیض‌هایی را نسبت به زنان روا داشته‌اند، اجازه خروج از کشور، عدم ورود زنان به ورزشگاه‌ها، موضوع حجاب، عدم اعطای تابعیت به کودکان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی، عدم فرصت برابر شغلی با مردان، عدم بکارگیری زنان در پست‌هایی مانند وزارت و دیدگاه مردانه به رجال سیاسی که مانع از رییس جمهور شدن زنان است، عدم برابری دیه زنان و مردان و... از موضوعاتی هستند که باعث شده حقوق زنان با چالش‌های جدی مواجه شود و عدم رسیدگی به این موضوعات مطالبات زنان را بدون پاسخ گذاشته است.

زنان در حالی از تبعیض‌ها و جنسیتی رنج می‌برند که اصل بیستم قانون اساسی اشعار می‌دارد: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسانند، در حمایت و قانون، قرار دارند و از همه حقوق، آزادی‌ها، انسانی‌ها، سیاسی‌ها، اقتصادی‌ها، اجتماعی‌ها و فرهنگی‌ها با رعایت موازین اسلام برخوردارند. براساس این اصل برابری زن و مرد در قانون اساسی کشور تصریح شده است؛ طبیعتاً بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی در کشور باید این امر محقق شود زیرا مطالبات زنان باعث احقاق بخشی از عدالت اجتماعی در جامعه می‌شود، اما در این سال‌ها نه تنها این اصل از قانون اساسی به درستی در جامعه تحقق نیافته بلکه به واسطه برخی از دیدگاه‌ها، همچنان بسیاری از نابرابری‌ها و تبعیض‌ها را می‌توان دید. امروز زنانی که به عنوان ورزشکار هنرمند و نخبه یا حتی زنان عادی قرار است برای ارائه دانش یا هنر خود به خارج از کشور سفر کنند هنوز باید برای خروج از کشور از همسر خود اجازه بگیرند و این امر در بسیاری موارد سدی در برابر آنان خواهد بود یا زنان ایرانی که با همسر خارجی ازدواج کرده‌اند، نمی‌توانند برای فرزندان خود شناسنامه بگیرند چرا که تابعیت این گونه زنان همچنان بلا تکلیف بوده یا به عبارت دیگر قانون کشور همسر تابعیت آن‌ها را مشخص می‌کند نه کشور ما که این زنان در آن به دنیا آمده رشد و ازدواج کرده‌اند. مورد دیگر نیز عدم اجازه ورود زنان به ورزشگاه‌هاست در شرایطی که جوانان امروز نیاز به تفریحات سالم دارند اما برخی با ممانعت از ورود دختران جوان به ورزشگاه‌ها، شرایطی را فراهم کرده‌اند که تعدادی از دختران با شمایل مردانه وارد ورزشگاه‌ها شوند. موضوع بعد، نگاهی مردسالارانه به واژه رجال سیاسی در این سال‌هاست که مانع تحقق اصل 115 قانون اساسی شده است. طبق این اصل رییس‌جمهور باید از میان رجل مذهبی و سیاسی که واجد شرایط باشند انتخاب شود؛ اما در تفسیر شورای نگهبان رجال سیاسی در این اصل تنها به معنای مرد بودن معنا شده در صورتی در قانون رجال سیاسی است نه رجال سیاسی و این تفسیر مانع از رییس‌جمهور شدن زنان شده است.

این‌ها بخشی از موضوعاتی است که زنان ایرانی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در

این راستا البته برخی از نمایندگان زن در مجلس به دنبال استیفاي حقوق زنان بوده و سعی دارند با اصلاح یا تصویب قوانینی این تبعیضات را کاهش دهند اما این اصلاحات همچنان در پیچ‌و‌خم تصویب مانده‌اند و هنوز به سرانجام مورد نظر زنان نرسیده‌است.

اسلام حامی حقوق برابر زنان و مردان است

محمد زنجانی؛ مهاجری/مد زنجانی؛ رس د زنجانی؛ انشگاه و د زنجانی؛ کتری حقوق

یکی از مسائلی که در نظام حقوقی اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد مساله زنجانی؛ نظام حقوق زن در اسلام است. مساله زنجانی؛ ای که چالش زنجانی؛ های فراوانی داشته و کمتر به لحاظ استدلالی به آن پرداخته شده است. در این نوشتار بر آن هستیم تا ابعادی چند از نظام حقوق زن در اسلام و فلسفه زنجانی؛ وضع آن را تبیین کنیم تا هم رویکرد نظام اسلامی و قرآن کریم در این خصوص روشن شود و هم اینکه منتقدان رویکردهای حقوق زن در اسلام و طرفداران فمینیسم بتوانند این موضوع را به لحاظ استدلال منطقی- عقلانی بررسی و سپس در این خصوص تامل کنند. یکی از پرسش‌های زنجانی؛ هایی که همواره محل توجه بوده، این مساله است که چرا ارث مردان بیش از زنان است و اینکه به چه دلیل میزان ديه زنجانی؛ زنان نصف ديه زنجانی؛ مردان است. به لحاظ حقوقی تفاوت در حقوق به معنای تفاوت در شایستگی انسان زنجانی؛ ها نیست و این یک مغالطه زنجانی؛ منطقی است که بگوییم انسان زنجانی؛ هایی که حقوق متفاوت دارند با یکدیگر هم شان نیستند؛ بنابراین این مساله که چون حقوق زنان در مساله زنجانی؛ ارث و ديه با مردان تفاوت دارد؛ لذا مردان از زنان برتر هستند. چه آنکه در برخی موارد نیز حقوق زنان از مردان بیشتر است و در این موارد نیز نمی‌توان گفت که به جهت برخورداری از حقوق متفاوت، زنان از مردان برتر هستند.

در نظام حقوقی اسلامی و به خصوص قرآن کریم که در حکمی مقرر می‌کند که برای انسان مذکر در ارث مثل سهم دو مونث مقرر شده است، نظام حقوقی بر مبنای نظامات اجتماعی زنجانی؛ ای تعیین شده است که احکام آن نیز بر همین مبنا توجیه می‌شود. در نظام حقوقی اسلامی زن و مرد با یکدیگر برابر هستند و در شایستگی و انسانیت با یکدیگر برابر هستند؛ اما به این جهت که خداوند برای زنان و مردان تکالیف متفاوتی را لحاظ کرده است، لذا حقوق آنان نیز با توجه به آن تکالیف مقرر شده است که در چهارچوب حقوقی طراحی زنجانی؛ شده عادلانه و مبتنی بر حکمت خداوند متعال است. در نظام حقوقی اسلام، تکالیف مالی خانواده بر عهده زنجانی؛ مردان بوده و مردان مکلف هستند که در زمان عقد ازدواج، مالی را به عنوان صداق و مهریه به زنان بپردازند و زن پس از عقد، مالک مهریه خواهد بود و همچنین نفقه نیز از جمله تکالیفی است که جزو سنگین زنجانی؛ ترین تکالیف مردان تلقی می‌شود. بنابراین مردان در نظام اسلامی مکلف به آن هستند که این موارد را تأمین کنند و البته طبق قوانین جدید در نظام حقوقی ایران نیز قاعده زنجانی؛ ای با عنوان تنصیف یا نصف کردن دارایی زنجانی؛ ها وجود دارد که می‌گوید نیمی از دارایی مرد، تحت شرایطی به زن تعلق می‌گیرد و این مساله فراتر از بحث مهریه و نفقه و سایر تکالیف مردان است؛ بنابراین مطابق صلاح زنجانی؛ دید شارع، تکلیف تأمین معاش خانواده بر عهده زنجانی؛ مردان است و زنان در این خصوص تکلیفی ندارند و در مقابل زنان مکلف به تربیت فرزندان هستند و البته تکلیفی هم در خصوص خانه زنجانی؛ داری ندارند و می‌توانند در مقابل کار در منزل مطالبه زنجانی؛ اجرت کنند. با نگاهی به نظام حقوقی خانواده در اسلام مشخص خواهد شد که در نظام اسلامی شارع می‌خواهد زنان به وظیفه اصلی خود که مادری راquo؛ بپردازند، که البته اگر خانه زنجانی؛ داری را نیز به عنوان لطف زنان نسبت مردان و فرزندان خانواده اضافه کنیم، وظایف خطیری هستند که می‌توانند نظام خانواده را متحول کنند. پس زن در اسلام جایگاهی دارد که فراتر از این است که برای کسب درآمد به عنوان نیروی کار و ابزار کار دیده شود و در عین حال مردان مکلف هستند متناسب با شان زوجه زنجانی؛ خویش و نه حتی متناسب با درآمد خود، به آنان نفقه بدهند و این نفقه تکلیف حقوقی و شرعی مرد است.

پرسشی که در این مساله مطرح می‌شود این است که از برابری حقوق و برابر شدن تکالیف چه کسانی منتفع خواهند شد؟ آیا مردان منتفع خواهند شد که در شرایط اقتصادی امروزی باید دست در آتش کنند و رزق و روزی حلال کسب کنند و در سرما و گرما و تحت سخت زنجانی؛ ترین شرایط دغدغه زنجانی؛ تأمین مسکن، تأمین خوراک و پوشاک و مسافرت زنجانی؛ های خانواده را داشته باشند یا زنان که مطابق احکام شرعی تکلیفی در تأمین هزینه زنجانی؛ های زندگی خانواده ندارند و زوج مکلف است بدون منت تکلیف خود را ادا کند؟ گروهی به نحوی از این مساله سخن می‌زنند که نظام حقوقی اسلام مردسالارانه است که گویا مردان مسلمان در حال پادشاهی کردن هستند و در حال لذت بردن از قدرت فوق العاده خویش هستند. می‌توان شرایط اقتصادی امروز ایران و ماه زنجانی؛ های اخیر را ملاک قرار داد و فقط یک بار خود را جای مردانی گذاشت که در این شرایط مکلف به تأمین نفقه زنجانی؛ زوجه و فرزندان خویش در شرایط سخت اقتصادی هستند، تصور کنید طبق نظام برابر حقوق و تکالیف، تمامی هزینه زنجانی؛ های زندگی باید به صورت مساوی توسط زن و مرد تأمین شود، آیا این مساله به نفع مردان نیست؟ آیا این مساله معارض با

ارتقای نهاد و بنیان خانواده نیست؟ زن و مرد مکلف به کسب درآمد هستند و هزینه‌ها را به صورت مساوی تامین می‌کنند. سوال اینجا است، چه کسی فرزندان را تربیت کند؟ بسیاری از فمینیست‌ها در پاسخ می‌گویند؛ حتما زنان و دختران بیچاره باید این کار را بکنند! پس چرا مردان این کار را نکنند؟ پاسخ مشخص است به هر حال یک شخص باید فرزند را تربیت کند، نمی‌توان گفت مصلحت این است که زن و مرد فرزنددار بشوند و فرزند خود را مهدکودک‌ها و نهادهای دیگر بسپارند تا او را تربیت کند، آیا این نگرش صحیح است؟ فرض کنید که شارع مرد را مکلف به تربیت فرزند می‌کند، خب چه کسی بایستی وظیفه‌ها را بپذیرد؟ تامین هزینه‌ها را خانواده را بر عهده بگیرد؟ طبیعتا در این حالت زن است که باقی می‌ماند؛ یعنی حالا همه چیز بر عکس است، خب خودتان تحلیل بفرمایید که اکنون شرایط چگونه است؟ تربیت فرزندان در اجتماع که یکی از مهم‌ترین امور جامعه است، قابل تقسیم شدن به دو نفر نیست، نه به این معنا که مرد وظیفه‌ها را برای تربیت فرزند ندارد، بلکه به این معنا که درجه اهمیت تربیت فرزند در نظام خانواده و در اسلام به حدی است که اگر هر دوی زن و مرد شاغل تمام‌وقت باشند، این امر را با اختلال مواجه خواهد کرد. گواه این سخن ما بسیاری از زنانی هستند که به صورت دایم شاغل بوده‌اند و پس از سال‌ها ابراز می‌دارند که ای کاش زمان بیشتری را صرف تربیت فرزندان می‌کردیم که از قضا زمان‌هایی که از تربیت فرزند کاسته‌ایم، بعدها این هزینه‌ها هم بر ما تحمیل خواهد شد و هم ممکن است که این هزینه‌ها بر اجتماع نیز تحمیل شود.

در نظام حقوقی اسلام، ارث مردان با توجه تکالیف سنگین‌تر مردان نسبت به زنان، متفاوت گذارده شده است و به این جهت که زنان جامعه، هر کدام همسری خواهند داشت که تکالیف مالی آنان را بر عهده دارد و مردان جامعه همسرانی خواهند داشت که تکالیف مالی آنان مانند نفقه و مهریه بر عهده مردان است، پس ارث مردان را بیش از زنان مقرر کرده است و به این ترتیب نظام تقسیم مالی اشخاص پس از فوت را متناسب با تکالیف آنان وضع و تقسیم کرده است و در بحث دیه نیز، بسیاری آن‌چنان سخن از حقوق فراوان مردان در اسلام می‌گویند که گویا مردی که فوت می‌کند دیه‌ها را با خود به دنیای باقی می‌برد؛ این در حالی است که توجه به فلسفه و وضع این مساله کاملا همه‌جانبه‌ها را برای ما روشن می‌کند، مردی که فوت می‌کند عهده‌دار تکالیف بیشتری است و نسبت به زنان و فرزندان خود تکلیف نفقه و ... دارد، بنابراین فوت مرد، نیرویی که روزی‌آورنده و خانواده‌دهنده است را از بین برده است و طبعاً برای حمایت از زن و فرزندان این شخص، باید دیه‌ها را به او بپردازند. در حالی که چنان‌که زن فوت کند، با توجه به استدلال مطرح شده، این زنان نفقه‌ها را پرداخت نمی‌کنند و تکالیف مالی این چینی ندارند تا لزومی به تامین این امور توسط شارع باشد. به عنوان یک پژوهشگر حقوق، معتقدم با استدلال می‌توانیم متوجه شویم که نظام حقوق زن در اسلام متناسب با هر از یک دو جنسیت تعیین شده است و اتفاقاً شان و مراتب زنان بسیار محترم شمرده شده است. چه آنکه در غرب که ادعای برابری حقوق زن و مرد وجود دارد، شاهد برده‌ها و جنسی شدن زنانی هستیم که قلاده‌های چهارپایان را بسته‌اند و توسط مردانی به این طرف و آن طرف کشیده می‌شوند و انسان حق و طلب و عدالت‌گرا نمی‌تواند بر حقایق چشم بریند. ظلمی که در جامعه ما و در گذشته نسبت به زنان تحمیل شده است، ناشی از سنت‌ها و رفتارهای برخی از مردان ما بوده است که نمی‌توان آن‌ها را به پای قاعده‌ها و اسلامی نوشت. عرف‌ها و غلطی‌ها را یکی که خانه‌داری را تکلیف و وظیفه‌ها را می‌داند یا عرف‌ها را غلطی که دستمزد زنان را پایین‌تر از مردان قرار می‌دهند به هیچ‌وجه نمی‌تواند به قاعده‌ها و اسلامی و نظام خانواده در اسلام ارتباط ندارند و خطاهای رفتاری بسیاری از ما انسان‌ها است که باید با فرهنگ‌سازی مناسب آن‌ها را برطرف کنیم، نه آنکه بدون توجه و تأمل در استدلال‌ها و فلسفه‌ها، تشریح قوانین اسلامی مربوط به خانواده، به مخالفت بدون استدلال بپردازیم.